

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

الف، لام، را. این است آیت کتاب الحکیم (1)

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ **قُلْ** قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (2)

آیا است برای مردم عجیب اینکه وحی فرستادیم ما به سوی مردی از ایشان اینکه بیم ده مردم را و مزده ده آنان را که ایمان آوردند اینکه است برای ایشان مقام عالی نزد پروردگار ایشان. گفتند نامعتقدان: هرآئینه این البته جادوگری آشکاری است. (2)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ **مَنْ** مَّا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ **ذٰلِكُمْ** اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ **أَفَلَا** تَذَكَّرُونَ (3)

هرآئینه پروردگار شما خدا آنکه آفرید آسمان ها و زمین را در شش دوره باز مستقر شد بر عرش می کند اداره کار را؛ نیست از شفاعت کننده مگر از بعد اجازه او. این است خدا پروردگار شما پس بپرستید او را. آیا پس نمی گیرید پند؟ (3)

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا **وَعَدَ** اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ **وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ** (4)

به سوی او است بازگشت شما همه یکجا؛ وعده خدا حقا. هرآئینه او ابتدا می کند آفرینش را باز بر می گرداند او را تا پاداش دهد آنان را که ایمان آوردند و کردند کار های نیک، به عدالت. و آنان را که نامعتقد شدند برای ایشان نوشیدنی است از آب داغ و عذاب درد دهنده به سبب آنکه بودند نامعتقدی می کردند. (4)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ **مَا** خَلَقَ اللَّهُ ذٰلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ **يُفَصِّلُ** الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (5)

او است آنکه ساخت آفتاب را (نور) درخشان و مهتاب را نور (تابان) و معین کرد برای او منزل ها (مرحله ها) تا بدانید شمار سال ها را و حساب را. نه آفریده است خدا این را مگر به حق. می کند بیان نشانه ها را برای قومی که می دانند. (5)

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ (6)

هرآئینه در اختلاف (تغییر و تبدیل) شب و روز و آنچه آفریده است خدا در آسمان ها و زمین البته نشانه ها است برای گروهی که می کنند پرهیزگاری (از نافرمانی خدا). (6)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غٰفِلُونَ (7)

رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (15)

و وقتی که خوانده می شود بر ایشان آیت های ما واضح و روشن، گفتند آنانکه ندارند امید ملاقات ما را: بیاور قرآنی غیر این یا تغییر ده آن را. بگو: نباشد برای من که تغییر دهم آن را از جانب خود؛ نمی کنم پیروی مگر آنچه را که وحی می شود به سوی من؛ هر آئینه من می ترسم اگر نافرمانی کنم من پروردگار خود را (از) عذاب روز بزرگ. (15)

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ ^{مِصْرِي} فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ ^{هـ} أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (16)

بگو: اگر می خواست خدا نمی خواندم آن را بر شما و نمی کرد آگاه شما را به آن؛ پس به یقین گذرانده ام من در میان شما سال های زنده گی را از پیش این. آیا پس در نمی یابید؟ (16)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ^{هـ} إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (17)

پس کیست ستمگار تر از کسی که بر بست بر خدا دروغ را یا به دروغ نسبت کرد آیت های او را؟ هر آئینه او نمی کند رسته گار گناه گاران را. (17)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هِيَ ^{هـ} ^{وَأَلَاءِ} شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ^{هـ} قُلْ أَ تُنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ^{هـ} سُبْحٰنَهُ ^{هـ} وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (18)

و می پرستند از غیر خدا آنچه را که نمی رساند به ایشان ضرر و نمی رساند به ایشان فائده و می گویند: این ها شفاعت کننده گان ما اند نزد خدا. بگو: آیا خبر می دهید خدا را به آنچه که نمی داند در آسمان ها و زمین است؟ پاکی است او را و برتر است از آنچه می کنند شریک. (18)

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ^{هـ} وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (19)

و نبود مردم مگر اجتماع یگانه پس اختلاف کردند. و اگر نبود سخنی از پیش رفته از جانب پروردگار تو البته فیصله کرده می شد میان ایشان در آنچه در آن می کنند اختلاف. (19) و يَقُولُونَ لَوْ لَا ^{هـ} أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِّن رَّبِّهِ ^{مِصْرِي} فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا ^{هـ} إِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (20)

و می گویند چرا نشد فرو فرستاده بر او نشانه از جانب پروردگار او؟ پس بگو: جز این نیست که نادیده (علم غیب) برای خدا است، پس انتظار بکشید هر آئینه من همراه شما از انتظار کشیده گانم. (20)

وَ إِذَا ^{هـ} أَنْزَلْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَأٍ مَسَّئُهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي ^{هـ} آيَاتِنَا ^{هـ} قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا ^{هـ} إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (21)

و وقتی که بچشانیم ما مردم را رحمتی (نعمتی) از بعد ضرری که تماس کرده باشد ایشان را

آن وقت برای ایشان باشد بدانندیشی در آیت های ما. بگو: خدا سریع تر است در تدبیر کردن. هر آینه فرستاده گان ما می نویسند آنچه می کنید بد اندیشی. (21)

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ **صلى** **حَتَّى** إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَينَ بِهِمْ بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ **صلى** دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (22)

او است آنکه قادر می سازد شما را به سفر در خشکی و دریا؛ تا آن وقتیکه باشید در کشتی و روان شود کشتی با آنها با شمال خوب و خوشی کردند به آن شمال خوب، آمد به آن کشتی شمال طوفانی و آمد به ایشان موج از هر جانب و دانستند اینکه ایشان احاطه شدند با آنها دعا کردند خدا را صمیمانه برای او دین را، البته اگر نجات دهی ما را از این (حال) البته باشیم از سپاس گذاران. (22)

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بَعِيرَ الْحَقِّ **صلى** يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعَيْتُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَنَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا **صلى** ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (23)

پس چون نجات داد ایشان را آن وقت ایشان می کنند ظلم و ستم در زمین به ناحق. ای مردم جز این نیست که ظلم و ستم شما بر علیه شما است؛ بهره زنده گی دنیا؛ باز به سوی ما است بازگشت شما پس خبر دهید ما شما را به آنچه بودید می کردید. (23)

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ **صلى** إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْن بِالْأَمْسِ **صلى** كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (24)

جز این نیست که حال زنده گی دنیا مانند آبی است که فرو فرستادیم ما از آسمان پس می آمیزد به آن گیاه های زمین از آنچه می خورند مردم و چهار پایان تا اینکه وقتیکه گرفت زمین زیبایی خود را و آراسته شد و گمان کردند مردم آن که ایشان تسلط دارند بر آن، آمد بر آن فرمان ما در شب یا روز پس ساختیم ما آن را درویده به مثل اینکه نبود دیروز. این چنین بیان می کنیم نشانه ها را برای گروهی که می اندیشند. (24)

وَاللَّهُ يَدْعُو **صلى** إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (25)

و خدا می خواند به سوی خانه امن و آرامش و رهنمائی می کند کسی را که می خواهد به سوی راه راست. (25)

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ **صلى** وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ **صلى** أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ **صلى** هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (26)

برای آنانکه نیکو کاری کردند بهترین (پاداش) است و افزون؛ و نمی پوشاند روی های شان را گرد و نه خواری. آنها یاران بهشت اند. ایشان در آن همیشه باشند گانند. (26)

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ **صلى** مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ **صلى** كَانَمَّا أَغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا **صلى** أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ **صلى** هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (27)

و آنان را که به دست آوردند بدی ها جزای بد به مانند آن است و می پوشاند ایشان را خواری؛ نیست برای ایشان از جانب خدا از پناه دهنده؛ به مثل آنکه پوشانیده شده است روی های ایشان به پاره های از شب تاریک. آنها یاران دوزخ اند؛ ایشان در آن همیشه باشند گانند. (27)

و يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ فَزَلَّلْنَا بَيْنَهُمْ صلى وَ قَالَ شُرَكَاءُ هُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (28)

و روزی که جمع می کنیم ایشان راهمه یکجا باز بگوئیم برای آنانکه شرک ورزیدند: باشید به جای خود شما و شریک های شما. باز جدائی اندازیم ما در میان ایشان؛ و گفتند شریک های ایشان: نبودید شما ما را پرستنده گان. (28)

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (29)

پس کافی است خدا گواه میان ما و میان شما که بودیم ما از پرستش شما البته بی خبر ها. (29)

هَذَاكَ تَبَلَّوْا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ صلى وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (30)

آن وقت می آزماید هر کس آنچه از پیش فرستاده است و برگردانیده می شوند به سوی خدا سرپرست ایشان حقیقتاً؛ و گم شد از ایشان آنچه بودند به دروغ بر می بافتند. (30)

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَ فَلَا تُنْقِفُونَ (31)

بگو: چه کسی می دهد روزی شما را از آسمان و زمین یا چه کسی می دهد توانائی شنوائی را و چشم ها را و چه کسی می آورد بیرون زنده را از مرده و می آورد بیرون مرده را از زنده و چه کسی می کند اداره کار را؟ پس به زودی می گویند: خدا. پس بگو: آیا پس (از نافرمانی خدا) نمی پرهیزید؟ (31)

فَذَالِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ صلى فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ صلى فَأَنَّى تُصِرُّونَ (32)

پس این است خدا پروردگار شما حقیقتاً؛ پس چیست بعد حق مگر گمراهی؛ پس چگونه می شوید برگردانیده؟ (32)

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (33)

این چنین ثابت شد سخن پروردگار تو بر آنانکه قصداً نافرمانی کردند اینکه ایشان نمی آورند ایمان. (33)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۖ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ صلى فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (34)

بگو: آیا است از شریک های شما کسی که می کند شروع آفرینش را باز می گرداند دوباره آن را؟ بگو: خدا می کند شروع آفرینش را باز می گرداند دوباره آن را؛ پس چگونه می

شوید گردانده به ناحق؟ (34)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ صَلَّىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (35)

بگو: آیا است از شریک های شما کسی که می کند هدایت به سوی حق؟ بگو: خدا می کند هدایت به حق. آیا پس کسی که می کند هدایت به سوی حق سزاوارتر است به اینکه پیروی کرده شود یا کسی که نمی کند هدایت مگر اینکه هدایت شود؟ پس چیست برای شما چگونه می کنید حکم؟ (35)

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (36)

و نمی کند پیروی بسیاری ایشان مگر گمان را. هر آئینه گمان نمی سازد بی نیاز از حق چیزی. هر آئینه خدا دانا است به آنچه که می کنند. (36)

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (37)

و نیست این قرآن که به دروغ بر بافته شده باشد از غیر خدا ولیکن است تصدیق آنکه میان داستان او است (پیش از آن) و بیان کتاب، نیست هیچ شک در آن از جانب پروردگار جهانیان است. (37)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ صَلَّىٰ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَدْعَيْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (38)

یا می گویند به دروغ بر بافته است او آن را؟! بگو: پس بیاورید سوره مانند آن و بخوانید هر کسی را که می توانید شما از غیر خدا اگر هستید شما راست گویان؟ (38)

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّالِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ صَلَّىٰ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (39)

بلکه به دروغ نسبت کردند به آنچه نمی کنند احاطه به علم او (نمی دانند آن را) و هنوز نیامده به ایشان تشریح آن. همچنین به دروغ نسبت کردند آنان از پیش ایشان؛ پس ببین چگونه بود سرانجام ستم گاران. (39)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (40)

و از ایشان کسی است که می آورد ایمان به آن و از ایشان کسی است که نمی آورد ایمان به آن. و پروردگار تو دانا ترین است به تباه کاران. (40)

وَ إِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلِكُمْ صَلَّىٰ أَنْتُمْ بَرِيٌّ تُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَ أَنَا بَرِيٌّ تٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (41)

و اگر به دروغ نسبت کردند ترا پس بگو: برای من است کار من و برای شما است کار شما؛ شما بی گناهیید از آنچه من می کنم و من بی گناهم از آنچه شما می کنید. (41)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ ۚ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَ لَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (42)

و از ایشان کسی است که می دهد گوش به سوی تو. آیا پس تو می شنوای کران را و اگر چه بودند نمی فهمند؟ (42)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ ۚ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَ لَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (43)

و از ایشان کسی است که می نگرد به سوی تو. آیا پس تو می کنی رهنمائی کوران را و اگر چه بودند نمی بینند؟ (43)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (44)

هر آینه خدا نمی کند ستم مردم را چیزی ولیکن مردم بر خود شان می کنند ستم. (44)
وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ ۚ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (45)

و روزیکه می کند جمع ایشان را مانند این است که نمانده بودند (در دنیا) مگر ساعتی از روز، می شناسند یکدیگر را میان ایشان. به یقین خساره رسید آنان را که به دروغ نسبت کردند ملاقات خدا را و نبودند راه یافته گان. (45)

وَ إِمَّا تُرِيدُكَ بَعْضَ الَّذِي نَعُدُّهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعُكَ فَالْيَا أَيُّهَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ (46)

و اگر بنمائیم ترا بعضی آنچه وعده می دهیم ایشان را یا بمیرانیم ترا پس به سوی ما است برگشت ایشان باز خدا آگاه است بر آنچه می کنند. (46)

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (47)

و برای هر ملتی پیغمبری است؛ پس وقتیکه آمد پیغمبر ایشان فیصله کرده شود میان ایشان به عدالت و ایشان نشوند ستم. (47)

وَ يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (48)

و می گویند چه وقت است این وعده اگر هستی شما راست گویان؟ (48)

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۚ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۚ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتُنْخَرُونَ سَاعَةً ۖ وَ لَا يَسْتَفْتِمُونَ (49)

بگو: ندارم برای خود ضرری و نه مفادی مگر آنچه خواسته است خدا. برای هر ملت وقتی است. وقتیکه بیاید وقت ایشان پس نشوند پس انداخته ساعتی و نشوند پیش انداخته. (49)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنْتُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (50)

بگو: آیا دیدید شما اگر بیاید به شما عذاب او در شب یا در روز، چه چیز را می طلبند به شتاب از آن گناه گاران. (50)

أَتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ أَمْنُكُمْ بِهِ ۚ ءَأَلْسَنَ وَ قَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (51)

آیا باز وقتیکه آن واقع شد ایمان آوردید به آن؟ حالا و به یقین بودید شما به آن طلب کننده

و چیست گمان آنانکه بر می بندند بر خدا دروغ را روز قیامت؟ هر آئینه خدا البته صاحب فضل است بر مردم ولیکن بسیاری ایشان نمی کنند سپاس گذاری. (60)

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ. وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (61)

و نمی باشی در حالتی و نمی خوانی از آن از قرآن و نمی کنید از کاری مگر ما هستیم بر شما گواه ها وقتیکه می پردازید در آن. و نمی شود پنهان از پروردگار تو از وزن اتم در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر در کتاب روشن. (61)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (62)

بیگمان هر آئینه دوستان خدا نیست ترس بر ایشان و نه ایشان می شوند غمگین. (62)

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ (63)

آنانکه ایمان آوردند و بودند می کردند پرهیزگاری (از نافرمانی خدا). (63)

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ ۚ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (64)

برای ایشان است مژده در زنده گانی دنیا و در آخرت. نیست تغیر در سخنان خدا. این است آن فیروزی بزرگ. (64)

وَ لَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ ۚ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۚ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (65)

و نسازد غمگین ترا سخن ایشان، هر آئینه عزت (غلبه و قدرت و شکوه و ...) برای خدا است همه یکجا. او است شنوا، نهایت دانا. (65)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ وَ مَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ ۗ إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنَّهُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (66)

بیگمان هر آئینه برای خدا است هر که در آسمان ها است و هر که در زمین است. و نمی کند پیروی آنانکه می خوانند به غیر خدا شریک ها را. نمی کنند پیروی مگر گمان را و نیستند ایشان مگر می زنند حدس. (66)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (67)

او است آنکه ساخت برای شما شب را تا آرامش گیرید در آن و روز را روشن. هر آئینه در این البته نشانه ها است برای گروهی که می شنوند. (67)

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۗ قُلْ سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ۗ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ ۖ بِهٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (68)

گفتند: گرفته است خدا فرزندی. پاکی است او را؛ او است بی نیاز؛ برای او است آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است. نیست نزد شما از صلاحیتی به این. آیا می گوئید بر

خدا آنچه نمی دانید؟ (68)

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (69)

بگو: هر آینه آنانکه بر می بندند بر خدا دروغ را نمی شوند رسته گار. (69)

مَتَّعَ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (70)

بهره اندکی در دنیا، باز به سوی ما است بازگشت ایشان باز می چشانیم ایشان را عذاب سخت به سبب آنچه بودند می کردند نامعتقدی. (70)

وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تُنظِرُونَ (71)

و بخوان بر ایشان خبر نوح را وقتیکه گفت برای قوم خود: ای قوم من اگر هست دشوار بر شما ماندن من (در میان شما) و پند دادن من به آیت های خدا پس بر خدا توکل کردم من پس فیصله کنید کار خود را و شریک های خود را باز نباشد کار شما بر شما غم و اندوه باز به انجام رسانید به سوی من و ندهید مهلت مرا. (71)

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ صَلَّى وَ أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (72)

پس اگر روی برگردانید پس نخواسته ام از شما از مزد؛ نیست مزد من مگر بر خدا؛ و فرموده شده ام من اینکه باشم از تسلیم شده گان به خدا. (72)

فَكَذَّبُوهُ فَجَبَّيْنَاهُ وَ مَنْ مَعَهُ فِي الْفَلَكِ وَ جَعَلْنَاهُمْ خَلَىٰ-يَفَ وَ أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صَلَّى فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ (73)

پس به دروغ نسبت کردند او را پس نجات دادیم او را و کسانی را که همراه او بودند در کشتی و ساختیم ایشان را جانشینان و غرق کردیم ما آنان را که به دروغ نسبت کردند آیت های ما را؛ پس ببین چگونه شد سرانجام بیم کرده شده گان. (73)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ (74)

باز فرستادیم ما از بعد او پیغمبران را به سوی قوم ایشان پس آمدند به ایشان با نشانه های روشن پس نبودند تا ایمان بیاورند به آنچه به دروغ نسبت کردند آن را از پیش. این چنین مهر می نهیم ما بر دل های از حد گذرنده گان. (74)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ وَ هَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ (75)

باز فرستادیم ما از بعد ایشان موسی و هارون را به سوی فرعون و اشراف او با نشانه های ما پس تکبر کردند و بودند قوم گناه کاران. (75)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ (76)

پس چون آمد ایشان را حق از نزد ما گفتند: هر آئینه این البته جادوی آشکار است. (76)

قَالَ مُوسَىٰ ۖ أَمْ تَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ ۖ سِحْرٌ هَذَا وَ لَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (77)

گفت موسی: آیا می گوئید برای حق چون آمد به شما؛ آیا جادو است این؟ و نمی شود رسته گار جادوگران. (77)

قَالُوا ۖ أَ جِئْنَا لِنَتْلِفَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ تَكُونُ لَكُمْ أَلِكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ (78)

گفتند: آیا آمده ئی به ما تا باز داری ما را از آنچه یافتیم ما بر آن پدران خود را و باشد برای شما برتری در سر زمین؟ و نیستیم ما برای شما ایمان آورنده گان. (78)

وَ قَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ (79)

و گفت فرعون: بیاورید به من هر جادوگر دانا را. (79)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ ۖ اَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلقُونَ (80)

پس چون آمد جادوگران گفت برای ایشان موسی: بافکنید آنچه شما افکنده گانید. (80)

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ ۖ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (81)

پس چون افگندند گفت موسی: آنچه آمده اید شما با آن جادو است؛ هر آئینه خدا به زودی از بین می برد آن را؛ هر آئینه خدا نمی سازد شائسته کار سرکشان قصدی را. (81)

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (82)

و می سازد ثابت خدا حق را با سخنان خود و اگر چه نپسندند گناه کاران. (82)

فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ ۖ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ ۖ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِيهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ ۖ وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (83)

پس نیاورد ایمان برای موسی مگر اولاده از قوم او با (وجود) خوف از فرعون و اشراف او اینکه شکنجه دهند ایشان را. و هر آئینه فرعون البته سرکشی بود در زمین و هر آئینه او البته (بود) از حد گذرنده گان. (83)

وَ قَالَ مُوسَىٰ ۖ يَبْقَومِ ۖ إِنْ كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا ۖ إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ (84)

و گفت موسی: ای قوم من اگر هستید شما ایمان آورده اید شما به خدا پس بر او توکل کنید اگر هستید تسلیم شده گان (به خدا). (84)

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (85)

پس گفتند: بر خدا توکل کردیم ما، پروردگار ما نسااز ما را آزمائش برای قوم ستم گاران. (85)

وَ نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (86)

و نجات ده ما را به رحمت خود از گروه نامعتقدان. (86)

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأَ لِقَوْمِكُمْ بِمِصْرَ بُيُوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ اقْبِمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (87)

و وحی فرستادیم ما به سوی موسی و برادر او اینکه آماده سازید برای قوم خود در مصر خانه ها و بسازید خانه های خود را قبله (جای پرستش) و برپا دارید نماز را. و مژده ده ایمان آورنده گان را. (87)

وَ قَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآءَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (88)

و گفت موسی: پروردگار ما هر آینه تو داده ئی فرعون را و اشراف او را شکوه و دارائی در زنده گانی دنیا، پروردگار ما تا گمراهی کنند از راه تو؛ پروردگار ما از بین ببر دارائی ایشان را و سخت بساز دل های ایشان پس (تا) نیاورند ایمان تا اینکه ببینند عذاب درد دهنده را. (88)

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمْ فَاَسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (89)

گفت (خدا): به یقین پذیرفته شد دعای هر دوی شما پس استقامت کنید هر دو (ثابت باشید) و نکنید پیروی راه آنان را که نمی دانند. (89)

وَ جَوْرْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَ جُنُودُهُ بَغْيًا وَ عَدْوًا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ ءَأَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (90)

و عبور دادیم ما بنی اسرائیل را از دریا پس تعقیب کرد ایشان را فرعون و عسکر های او برای ستم و دشمنی؛ تا اینکه وقتیکه دریافت او را غرق شدن گفت (فرعون): ایمان آوردم من اینکه نیست هیچ معبودی مگر آن که ایمان آورده است به او اولاده های اسرائیل و من از تسلیم شده گان (به خدا) هستم. (90)

ءَأَلْنَدَنَّ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (91)

اکنون! و به یقین نافرمانی کردی تو پیشتر (از این) و بودی از سرکشان قصدی. (91)

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَن آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (92)

پس امروز نجات می دهیم ترا به جسم تو تا باشی برای آنان از پس تو نشانه. و هر آینه بسیاری از مردم از نشانه های ما البته بی پروایانند. (91)

وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبَوَّأً صِدْقٍ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (93)

و البته به یقین مسکن دادیم ما بنی اسرائیل را مسکن خوب و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه ها پس نکردند اختلاف تا اینکه آمد به ایشان دانش (قرآن). هر آینه پروردگار تو می

کند فیصله میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن می کردند اختلاف. (93)
فَأَنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ، لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (94)

پس اگر هستی تو در شک از آنچه فرود فرستادیم ما به سوی تو پس بپرس آنان را که می خوانند کتاب را از پیش تو. البته به یقین آمد به تو حق از جانب پروردگارتو پس نباش از مترددان. (94)

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ (95)
و نباش از آنان که به دروغ نسبت کردند به آیت های خدا پس باشی از زیان رسیده گان. (95)

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (96)
هرآینه آنانکه ثابت شد بر ایشان سخن پروردگار تو نمی آورند ایمان. (96)
وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (97)

و اگر چه آمد به ایشان همه نشانه تا اینکه ببینند عذاب درد دهنده را. (97)
فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ ءَازَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَنَعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (98)

پس چرا نبود شهری که ایمان آورد پس فائده داد آن را ایمان آن مگر قوم یونس چون ایمان آوردند برداشتیم ما از ایشان عذاب رسوائی در زنده گانی دنیا و بهره اندک دادیم ایشان را تا مدتی. (98)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا ۖ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (99)
و اگر می خواست پروردگار تو البته ایمان می آورد کسی که در زمین است همه ایشان یکجا. آیا پس تو مجبور می کنی مردم را تا اینکه شوند ایمان آورنده گان؟ (99)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَ يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (100)
و نیست برای هیچ کسی اینکه ایمان آورد مگر به اجازه خدا. و می سازد ناپاکی را (عذاب را) بر آنانکه نمی اندیشند. (100)

قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ۚ وَ مَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَ النَّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (101)

بگو ببینید چه چیز است در آسمان ها و زمین. و نمی دهد فائده نشانه ها و بیم دهنده گان به قومی که نمی آورند ایمان. (101)

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ قُلْ فَانْتَظِرُوا ۗ إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (102)

پس آیا می کشند انتظار مگر مانند روز های آنانکه گذشتند از پیش ایشان؟ بگو: پس انتظار بکشید، هر آئینه من همراه شما از انتظار کشیده گانم. (102)

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ (103)

باز نجات می دهیم پیغمبران ما را و آنان را که ایمان آوردند. این چنین حق است بر ما، نجات می دهیم ما ایمان آورنده گان را. (103)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ صلى وَأَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (104)

بگو: ای مردم! اگر بودید شما در شک از دین من پس نمی پرستم من آنان را که می پرستید شما از غیر خدا ولیکن می پرستم من خدا را آن که می میراند شما را؛ و فرمان داده شده ام من اینکه باشم از ایمان آورنده گان. (104)

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَّا تَكُونَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (105)

و اینکه راست کن روی خود را برای دین حنیف (خاص برای خدا) و نباش از مشرک ها. (105)

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَ لَّا يَضُرُّكَ صلى فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ (106)

و نخوان (نکن عبادت) از غیر خدا آنچه نمی رساند فائده ترا و نمی رساند ضرر ترا؛ پس اگر کردی پس هر آئینه تو آن وقت (باشی) از ستم گاران. (106)

وَ إِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ - إِلَّا هُوَ صلى وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ صلى يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ صلى وَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (107)

و اگر برساند ترا خدا ضرری پس نیست دور کننده برای آن مگر او؛ و اگر بخواهد ترا خیری پس نیست مانع کننده برای فضل او. می رساند به آن کسی را که می خواهد از بنده گان خود. و او است آمرزنده، با رحم. (107)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ صلى فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ صلى وَ مَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا صلى وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (108)

بگو: ای مردم به یقین آمد به شما حق از جانب پروردگار شما؛ پس هر کسی که راه یاب شد پس جز این نیست که می شود راه یاب برای جان خود؛ و هر کسی که گمراه شد پس جز این نیست که می شود گمراه بر ضد خود؛ و نیستم من بر شما حافظ. (108)

وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ - إِلَيْكَ وَ اصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُذَ اللَّهُ صلى وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (109)

و پیروی کن آنچه می شود وحی به سوی تو و شکیبائی کن تا اینکه دآوری کند خدا. و او است بهترین دآوری کننده گان. (109)

